به نام خدا

جایگاه «تهدید خارجی» در شکل گیری انسجام سیاسی؛ تحلیل تطبیقی رویارویی آمریکا و ایران در دو دهه اخیر

مولف :

مصطفی رجب زاده

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران – ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir









سرشناسه : رجب زاده، مصطفی ، ۱۳۶۵
عنوان و نام پدیدآور : جایگاه «تهدید خارجی» در شکل گیری انسجام سیاسی؛ تحلیل تطبیقی رویارویی آمریکا و ایران در دو دهه اخیر / مولف: مصطفی رجب زاده
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۸۴ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۹۴۹-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : جایگاه «تهدید خارجی» در شکل گیری انسجام سیاسی
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۷۸۹۴۱۲۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

نام کتاب : جایگاه «تهدید خارجی» در شکل گیری انسجام سیاسی؛ تحلیل تطبیقی رویارویی آمریکا و ایران در دو دهه اخیر
مولف : مصطفی رجب زاده
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرایی، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول ــ ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت :۲۰۰۰۰۰تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
https//:chaponashr.ir/ketabresan
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۹۴۹-۲
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir

فهرست

تقدیم ۷
پیشگفتار ۹
مقدمه ۱۱
توازن تهدید بین ایران و آمریکا ۱۳
عوامل ایجاد تهدید در تقابل ایران و آمریکا ۱٤
قدرت کلی ایران و آمریکا ۱٤
مجاورت سرزمینی ۱٦
قابلیت تهاجم ۱۷
قصد تهاجم ۱۸
نظریه گفتمان ارنستولاکلا و شانتال موف استوار ۲۱
دال های شناور ۲۲
زنجیره های هم ارزی ۲۲
هژمونی ۲۲
دیگری سازی ۲۳
لحظه بحرانی ۲۳
ریشه های شکل گیری گفتمان موافقان ۲٤
تصویرسازی از یک زندگی آرمانی برای افزایش انتظارات از دولت ۳۱
مقایسه اقتصادی ایران و کشورهای توانمند اقتصادی برای القای عقب ماندگی ۳۱
حمله به مظاهر دینی و اسلامی در جهت تضعیف هویت ایرانی ۳۱
موجه سازی چهره پهلوی اول و دوم برای تضعیف انقلاب ۳۲
تاثیر جنگ ۱۲ روزه بر همبستگی ملی ۳۲
سازوکارهای تداوم انسجام سیاسی ۳۳
پذیرش و حل تعارض به جای حذف آن ۳۳
اهمیت اجماع سازی میان نخبگان سیاسی و گروههای اجتماعی در تداوم انسجام ملی ۳٤
مدیریت تضادها از طریق گفتگوی دموکراتیک ۳٤
افزایش اعتماد به رسانه های رسمی ۳٤

تقویت دالهای شناور مشترک ٣٥
آموزش و آگاهی بخشی فرهنگی ٣٥
قوانین و سیاست های عادلانه ٣٥
قدرت کل ٣٦
مجاورت جغرافیایی ٣٧
قدرت تهاجمی ٣٧
نیات تهاجمی ٣٧
نظریه موازنه تهدید میان ایران و آمریکا ٣٨
قدرت کل ٣٨
مجاورت جغرافیایی ٤٠
قدرت تهاجمی ٤١
نیات تهاجمی ٤٣
قدرت کل ٤٥
مجاورت جغرافیایی ٤٦
قدرت تهاجمی ٤٧
ثبات تهاجمی ٤٨
تهدید بودگی کنشگری منطقه ای ایران در ارزیابی آمریکا ٥١
تحول در ارزیابی آمریکا نسبت به کنشگری منطقه ای ایران ٥٢
ارزیابی دولت ترامپ ٥٣
دلایل تاب‌آوری ایران در جنگ های مداوم پس از پیروزی انتقلاب تا زمان حال ٥٦
تئوری رئالیسم و تهدیدات آمریکا علیه ایران ٥٦
بررسی مسائل پیرامون فاصله دو جنگ دوازده روزه (٢٠٢٥) و چهل روزه (٢٠٢٦) ٥٧
انسجام براي مقابله با تهديدات بيروني ٥٩
گروه سياسي ٥٩
نگرش امنیتی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران ٦٠
نگرش امنیتی اتحادیة اروپا به جمهوری اسلامی ایران ٦٢
برنامة هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران ٦٣
مسائل پیرامون جنگ دوازده روزه آمریکا بر علیه ایران ٦٧

درس‌های راهبردی جنگ ۱۲ روزه برای جنگ رمضان.....۶۹

بررسی حقوقی جنگ تحمیلی دوازده روزه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران (فوریه- مارس ۲۰۲۶): از نقض بنیادین منع توسل به زور تا مسئولیت بین المللی.....۷۰

جمع بندی ۷۳

منابع ۷۵

تقدیم

این کتاب را تقدیم به همسرم که با محبت و درک بی پایانش زندگی مرا کامل کرده و فرزندم که با آمدنش دنیای مرا روشن نموده است

پیشگفتار

در میان مناطق مختلف جهان، خاورمیانه جزو معدود مناطق ژئوپلیتیکی است که نظام منافع دولت ملی بر آن اســـتوار نیست و درگیر در نزاع های طولانی مدت است، به طوریکه فضای منبعـــث از رقابت های نظامی و امنیتی بر فضای همکاری غلبه داشـــته و فرآیند همگرایی در آن همواره غایب بوده اســـت. روندپژوهی این تحولات حکایت از آن دارد که این وضعیت رقابت و کنش نیروهای عطف به واگرایی در این منطقه همچنان تداوم خواهد داشـــت. این در حالی است که علیرغم شکل گیری فضای امنیتی ناشی از وجود نیروی واگرایی، برخی از کنشـــگران این منطقه همچون کشورهای عضو شـــورای همکاری خلیج فارس و اسرائیل توانسته اند به رشد اقتصادی قابل توجهی در شـــاخص های توسعه اقتصادی دست یابند؛ لذا به نظر می رســـد شاهد نوعی دگرگونی در ماهیت نظم سیاسی حاکم در این منطقه راهبردی از جهان و شـــکل گیری روابط جدیـــدی از تعاملات میان بازیگران آن هســـتیم که این امر می توانـــد چهره جدیدی را برای این منطقه پدید آورد. در وضعیت فعلی این قطب بندی های سیاسی ـ امنیتی و نیز ظرفیت های اقتصادی آن می تواند به عنوان یک فرصت قابل توجه برای ایالات متحده آمریکا محســـوب شـــود تا از رهگذر آن، شـــاهد ارجحیت راهبردهایی چون مدیریت بحران هـــا، قراردادهای فروش تجهیزات نظامی و بهره برداری انرژی بر اســـتراتژی حل وفصل معضلات خاورمیانه به وسیله این کشور باشیم . بـــا این وصف، وضعیت خاورمیانه در دوره جدید، در عناصر قاعده ســـازی و نظم و نیز تغییر در توازن قدرت میان بازیگران عمده آن، بر نوعی صورت بندی باز دلالت دارد. از سوی دیگر، درک ژئوپلیتیک علاوه بر ارائه تحلیل فوق، بر این باور است که منطقه خاورمیانه در زمانه اکنون، محاط در چالش ها و مشـــکلات عدیده ای است که مسئله محوری آن مسئله امنیت است. این مســـئله زمانی از اهمیت دوچندان برخوردار می شود که همزمان با رقابت بازیگران عمده منطقه ای برای دستیابی به جایگاهی هژمون در نظم سلسله مراتبی در حال شکل گیری، مؤلفه های بســـیاری آنها را به یکدیگر مرتبط می سازد که درنتیجه آن می توان انتظار داشت بازی از حالت منازعه صرف خارج شده و به حالتی از همکاری و مشارکت در عین وجود نمودهایی از رقابت برای ساخت یک نظم منطقه ای جدید و با ثبات تغییر حالت یابد. در نظریات علوم سیاسی، «تهدید خارجی» همواره به عنوان عاملی تنش‌زا و مخرب در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود که می‌تواند منجر به بی‌ثباتی و فروپاشی نظم‌های موجود گردد. با این حال، یک پارادوکس سیاسی در این میان نهفته است: تهدید، تنها عامل تفرق نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک «کاتالیزور» عمل کرده و با ایجاد یک دشمن مشترک، فرآیند انسجام سیاسی و همبستگی درونی را در یک جامعه تسریع کند. درک این چرخه-یعنی تبدیل فشار بیرونی به همگرایی درونی-برای تحلیل پایداری نظام‌های سیاسی در عصر تنش‌های ژئوپلیتیک، ضرورتی انکارناپذیر است. در دو دهه

اخیر، تقابل میان ایران و ایالات متحده آمریکا، یکی از پیچیده‌ترین و اثرگذارترین تقابل‌ها در سطح جهانی بوده است. این دو قدرت، نه تنها از نظر استراتژیک با یکدیگر در تضاد هستند، بلکه از نظر ساختار قدرت، الگوی واکنش به تهدید و نحوه مدیریت انسجام داخلی، تفاوت‌های بنیادینی دارند. بررسی این دو مورد در قالب یک مطالعه تطبیقی، به ما اجازه می‌دهد تا دریابیم چگونه یک تهدید واحد، در دو ساختار سیاسی کاملاً متفاوت، می‌تواند پیامدهای متناقض-از تقویت مشروعیت و انسجام تا بروز شکاف‌های اجتماعی-به همراه داشته باشد.

مقدمه

تقابل با امریکا از مهم ترین شاخصهای سیاست خارجی ایران در سال های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است این تنش که با حادثه حمله به سفارت آمریکا در نخستین ماه های پس از استقرار جمهوری اسلامی و بحران گروگان گیری اعضای سفارت آغاز شد . علی رغم برخی فراز و فرودها و با وجود روی کار آمدن دولت های مختلف در هر دو کشور هم چنان به قوت خود باقی بوده و جنبه های متعدد سیاسی ، اقتصادی نظامی و فرهنگی و حتی روابط بین الملل در عرصه های منطقه ای و جهانی را تحت تاثیر قرار داده است . طی دهه های نخیر ، مسائل متعددی سبب ساز تقابل میان دو کشور بوده از جمله نقض حقوق بشر در ایران و یا حمایت این کشور از گروه های تروریستی و هم چنین تهدید منافع آمریکا از طریق گسترش پروژه های دفاع موشکی اما بی تردید مهم ترین و حساس ترین موضوع تعارض میان دو کشور برنامه هسته ای و هراس از دستیابی ایران به سلاح اتمی بوده است . چنان که می دانیم آمریکا در راستای مهار پروژه هسته ای ایران به همراهی متحدان اروپایی خود تحریم های کم سابقه اقتصادی را علیه ایران اعمال کرده که آثار سوء این تحریم ها بر جامعه ایران غیر قابل انکار است .

ایران پس از حدود یک دهه مذاکره توانست با گروه موسوم به پنج به اضافه یک یعنی اعضای دائم شورای امنیت به اضافه آلمان در قالب برنامه جامع اقدام مشترک با " برجام به توافقات مهمی نائل آید . برجام پروژه هسته ای ایران را با محدودیت مواجه ساخته و نظارت بازرسان آزانس بین المللی انرژی اتمی بر مراکز استراتژیک کشور را بسیار بیشتر می کرد . اما در کنار آن تحریم های همه جانبه را نیز شدیدا کاهش می داد و امید آن می رفت تا با اعتماد سازی صورت گرفته تنش های جمهوری اسلامی در عرصه بین المللی و به ویژه با قدرت های غربی حل و فصل شود. لکن با روی کار آمدن دونالد ترامپ و خروج یک جانبه امریکا رجام که همراه با موج جدیدی از تحریم های همه جانبه علیه ایران و اقدام به ترور سردار سلیمانی بود، مجددا سطح تقابل دو کشور اوج گرفت. سیاست منطقه ای ایران و آنچه دولت مردان امریکایی حمایت از گروه های نیابتی تروریستی می نامند نیز همواره یکی دیگر از نقاط تقابل میان دو کشور بوده است . به ویژه آنکه پس از حوادث ۷ اکتبر و درگیری شدید محور مقاومت پای ایران مستقیما به منازعات منطقه ای باز شده رویارویی مستقیم ایران و آمریکا بسیار محتمل به نظر می رسد.

به علاوه امریکا و متحد قدیمی اش طی یک دهه گذشته سعی بسیاری داشته اند تا در عرصه دیپلماتیک توان مندی نظامی و به ویژه قابلیت دفاع موشکی ایران را به عنوان تهدیدی بالقوه منطقه خاورمیانه و به ویژه جهان غرب مطرح سازند و از این طریق جبهه سیاسی و امنیتی را علیه ایران گسترش دهند . از این جهان تردیدی نیست که تقابل میان ایران و آمریکا ، علی رغم وجود بسیاری منافع مشترک در عرصه منطقه ای و جهانی در حال شدید بوده و مدام در پیچیدگی آن قروده می شود به نحوی که

ظاهرا امکان هر نوع توافق میان آنها بعید به نظر می رسد و حتی امکان تحهای توافق برجام نیز با توجه به عهد شکنی یک جانبه امریکا نمی تواند چندان در کاهش بی اعتمادی و احساس تهدید در دو کشور موثر واقع شود .

جامعه ایران در دهه های اخیر صحنه تقابل گفتمان های سیاسی متضادی بوده که ریشه در رویکردهای ایدئولوژیک اجتماعی و اقتصادی متفاوت داشته اند. محصول این تقابل رویکردها شکل گیری دو گفتمان نسبتاً متضاد بوده است اولی گفتمان موافقان جمهوری اسلامی و دیگری گفتمان مخالفان این دو ، گفتمان با دیگری سازی متقابل، فضای سیاسی و اجتماعی ایران را به شدت دو قطبی کرده بودند با این حال جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل (خرداد ۱۴۰۴) به عنوان رویدادی غیر منتظره، لحظه ای تاریخی آفرید که این گسست گفتمانی را به همبستگی ملی بدل ساخت این همبستگی که از حس مشترک تهدید خارجی و باز تعریف دال هایی چون « وطن » و « استقلال پدید ، آمد ، فرصتی منحصر به فرد برای بازاندیشی در انسجام سیاسی ایران فراهم ساخت.

توازن تهدید بین ایران و آمریکا

توازن تهدید نظریه ای است که توسط استفان وایت از تئوریسین های مشهور مکتب در واقع گرایی تدافعی در عرصه روابط بین الملل مطرح شده است. از منظر رئالیسم تدافعی ، مهم ترین چالش دولت ها در عرصه سیاسی ، حفظ و استقرار امنیت در جامعه بین الملل آنارشیک است . از این جهت دولت ها هنگامی که حس کنند یک تهدید بالقوه علیه آنها شکل گرفته ، عکس العمل نشان داده و برای بازداشتن نهاد یادگر ، اقدام به ایجاد موازنه می نمایند و اگر تلقی کنند که امنیت آنها به شکل جدی تری تهدید می شود به سمت واکنش شدید تر سوق پیدا می کند . به بیان دیگر احساس نا امنی در دولت ها ، بسبب حرکت آن ها به سمت افزایش قدرت و نفوذ است و امنیت زمانی حس می شود که قدرت لازم و کافی برای ایجاد موازنه به وجود آید . طبعاً اگر بازیگری در جهت بر هم زدن این امنیت و موازنه اقدام کند بازیگر رقیب جهت دستیابی به موازنه جدید به سمت افزایش قدرت خود خواهد رفت به این ترتیب مطابق نظریه والت، ملاک عمل دولت ها در عرصه روابط بین الملل "توازن تهدید" است نه "توازن قوا" و در حقیقت دولت ها در مقابل احساس تهدید، اقدام به ایجاد موازنه می کنند و ترس از نیات خصمانه یک دولت داری قدرت بیشتر ضرورت ایجاد موازنه را برای دولت دیگر ضروری می سازد.

از این حیث تهدید در نظر والت، صرفاً توانایی خامی و استراتژیک رقیب نیست بلکه لیات و درک ذهنی آنها از عمل و عکس العمل را نیز دربر می گیرد . به این شکل اصلی ترین عامل شکل گیری رویکرد سیاست خارجی هر دولت درجه و میران تهدیداتی است که در برابر امنیت خود ادراک می نماید. نکته مهم در این رابطه آن است که از نظر والت چهار عامل اصلی مفهوم تهدید و درجه آن را تعیین می کند :

اول -کلیت قدرت کشور: در اینجا قدرت، متغیرهای مختلف مادی و معنوی مثل جمعیت، وسعت سرزمینی، موقعیت ژئوپلتیکی ، توان اقناع داخلی و .. را شامل می شود . در حقیقت بازیگری که از منابع قدرت برتری برخوردار باشد، میزان تهدید بیشتری برای رقیب خود ایجاد می کند و خطرناک تر تصویر می شوند و در وقت لزوم توان بیشتری برای مجازات دشمانش دارد.

دوم- مجاورت سرزمینی: از نظر والت هر میزان که تهدید در فاصله جغرافیایی نزدیک تری به وجود آید از نظر رقبا خطرنای تو فرض می شود و طبعا درجه تهدید نیز ملموس تر خواهد بود . از این رو در شرایطی که سایر فاکتورها برابر باشند . دولت هایی که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک تر هستند . قاعدتاً

تهدید کننده تر از دولت هایی قلمداد می شوند که در فاصله سرزمینی بیشتری قرار دارند و به عبارت ساده تر با افزایش فاصله سرزمینی از توان نهارید نبرکاسته می شود .

سوم -قدرت تهاجم: از دیدگاه والت قدرت تهاجمی به عوامل دیگر تهدید مثل نزدیکی سرزمینی و قدرت کل وابسته است اما نباید با آنها یکی فرض شود چراکه قدرت تهاجم قابلیت تهدید تمامیت ارضی یک کشور و توان به مخاطره انداختن حاکمیت آن است و اگر این تهدید جدی احساس شود . سایر دولت ها را وادار به ایجاد موازنه علیه قدرت تهدید کننده می کند . از این رو هر چه توان نظامی و تهاجمی رقیب افزایش باید تلقی تهدید از عملکرد آن در عرصه بین الملل تشدید می شود.

چهارم- قصد تهاجم: بر اساس تئوری توازن تهدید چنان که دولتی به عنوان بازیگری متخاصم و مهاجم شناخته شود، حتی اگر قدرت کلی و قابلیت تهاجمی بالابر هم نداشته باشند ، سایر بازیگران را به موازنه علیه خود وا می دارد . در اصل در این خصوص خرافات ذهنی و تلقی به وجود آمده از نیات دولت هاست که اهمیت می یابد، از این جهت می توان عنوان کرد که از نظر والت ، تنها قدرت عامل ایجاد تهدید نیست. بلکه درک و برداشت ذهنی دولت ها از یکدیگر ، احساس تهدید را به وجود می آورد و سبب می شود تا سایر رقبا به ایجاد موازنه و قلع خطر از موجودیت یا منافع خود روی آورند.

البته باید توجه داشت که موازنه خود به خود و آنی شکل نمی گیرد و معمولا با اقدام دولت ها برای ایجاد یک ائتلاف آغاز می شود . از این رو اتحادها در عرصه بین المللی با هدف خلق توازن علیه تهدیدات یک بازیگر ستیزه جو و ادغام توانایی چند کشور برای مقابله با تجاوزات احتمالی آن به وجود می آید . از سوی دیگر والت معتقد است که بر هم خوردن موازنه تهدید می تواند موجب از بین رفتن اختلاف ها و اتحاد هایی شود که قبلا شکل گرفته اند . مثلا قدرت گرفتن بیشتر یکی از اعضای اتحاد می تواند عامل بر هم خوردن موازنه و در نتیجه شکست یک ائتلاف بین المللی گردد . این مساله از آن جهت رخ می دهد که اتحادها با هدف ایجاد توازن برای ارتقای سطح امنیت همه اعضا شکل می گیرند و طبعاً هر گونه حس تهدید یا تردید به مقوله امنیت، می تواند سبب خروج اعضا از ائتلاف گردد.

عوامل ایجاد تهدید در تقابل ایران و آمریکا

قدرت کلی ایران و آمریکا

به طور کلی ایران از قدرت های برتر منطقه غرب آسیا محسوب می شود و موقعیت خاص ژئوپلتیک آن در خاورمیانه ممتاز است و از این جهت نقش موثری در معادلات منطقه ای ایفا می کنند . هر چند بودجه نظامی ایران در مقایسه با کشورهای منطقه قابل توجه نیست اما از توان موشکی مدرن و قدرت

مندی برخوردار گردیده که در کنار سلاح های متعارفی چون زیر دریایی و پهباد، ایران را به یکی از ارتش های مجهز دنیا بدل کرده است. ایران به جهت موقعیت ژئوپلتیک خود از لحاظ اقتصادی نیز توانایی های بالقوه ای دارد به ویژه آن که ایران با توان تولید چهار میلیون بشکه نفت در روز رتبه پنجم را از این حیث در جهان داراست و ذخایر نفتی آن پنج برابر آمریکا تخمین زده می شود . به علاوه منابع گاز ایران به تنهایی دو برابر کل ذخایر گازی قاره امریکاست و پس از روسیه در رتبه دوم جهان قرار دارد.

تسلط ایران بر تنگه هرمز که یکی از شاهراه های انتقال انرژی در جهان محسوب می شود و هم چنین سواحل طولانی در خلیج فارس، دریای عمان و البته مجاورت با منابع انرژی دریای خزر، همه و همه جزء امتیازات ممتاز ژئوپلتیکی ایران به شمار می رود که بر قدرت منطقه ای آن بسیار موثر است و طبعاً ثبات و امنیت در این نقطه از جهان نقشی حیاتی بر تامین انرژی در دنیا دارد. به علاوه از حیت نرم افزاری نیز، می توان به قدرت فرهنگی ایران در منطقه اشاره کرد . تمدن غنی و با سابقه ایران، اکثر کشورهای منطقه را تحت تاثیر قرار داده و نفوذ فرهنگی این کشور را بسیار افزایش داده است . به ویژه آن که ایران پایگاه اول تشیع در جهان بوده و از این حیث نیز توانسته در کشورهایی که درصد جمعیت شیعه در آن ها بالاست(مانند عراق ، لبنان، بحرین) نفوذ بسیار داشته باشد . از این روست که می توان گفت ایران با قدرت نرم افزاری خود ، نواقص موجود در قدرت مادی اش را تاحد زیادی جبران کرده و علی رغم تحریم های گسترده اقتصادی طی دهه های اخیر ، بر نفوذ و توان مندی خود در منطقه افزوده است. هم چنین ایران در رابطه با فن آوری های نوین مانند نانوتکنولوژی و بیوتکنولوژی، بسیار پیش رفته و با دسترسی به فن آوری بومی شده هسته ای، به کلوپ انحصاری کشورهای دارای تکنولوژی غنی سازی اورانیوم نیز پیوسته است .

در این راستا استفن والت نیز تصریح می کند که علی رغم تلاش های ایالات متحده ایران طی دو دهه اخیر توان مندتر شده است و در این رابطه به نفوذ ایران در سوریه و لبنان از یک سو و پیشرفت برنامه هسته ای از سوی دیگر اشاره می کنند . همچنین بر اساس برآوردی که توسط سازمان ناتو و در ماه های ابتدایی ریاست جمهوری دونالد ترامپ منتشر گردید ، علی رغم تحریم ها و فشارهای بین المللی و با وجود محدودیت شدید در فروش نفت ایران بیش از گذشته نفوذ خود را در منطقه گسترش داده و معادلات خاورمیانه را به نفع خود تغییر می دهد. اما در رابطه با کلیت قدرت امریکا نیز باید توجه داشت که این کشور پس از فروپاشی شوروی در بسیاری جنبه ها قدرت اول نظام بین الملل به شمار می رود. از حیث اقتصادی دلار آمریکا ، اصلی ترین واحد ارزی در مبادلات جهان است . به علاوه تولید ناخالصی این کشور نیز در بالاترین سطح در میان کشورهای صنعتی جهان قرار دارد و حجم مبادلات اقتصادی آن هم رتبه برتر در اقتصاد بین الملل را داراست .